

عاملین گشتار و ویرانی در عراق!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی

حکمتیست
۱۲۱

۱۱ ژوئیه ۲۰۱۶ - ۲۲ تیر ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

سر ستون

رنگ عوض کردن های

فصلی در سیاست

به بهانه یک بهانه

مهمر فتاحی



سازمان پژاک که شعبه پ ک ک در ایران است، به بهانه عید فطر مسلمانان پیامی خطاب به "امت مسلمان" فرستاده که در آن بر "اسلام مدینه و علوی" تاکید کرده است.

عید فطر برای این سازمان یک بهانه است تا از طریق آن عوام را از شعار جدید خود مطلع کند. هدف این یادداشت افشا یا نقد پژاک به این مناسبت نیست، چون مشکل ما در درک این قضیه یکی و دوتا نیست. احزاب ناسیونالیست کرد روزی مسلمان اند و روزی سکولار. روزی با غرب اند و روز دیگر با شرق. یک روز سوسیالیست و کمونیست دو آتشه اند و روز بعدی دموکراسی خواهی تندتر از جورج دبلیو بوش. روزی هوادار پروپاقرص کنسار آمدن با حاکمان اند و در این عرصه تا پادویی هم "صعود" میکنند، و روز بعدی شاهد درگیری نظامی اینها با دولت کشورشان و شعارهای سرنگونی طلبانه شان هستیم. لذا هدف این نوشته نه افشای این نقص جزئی آنها، که انگشت گذاشتن بر علل رنگ عوض کردن های فصلی بخش مهمی از احزاب در متن سیاست است. در سیاست ایران هم میشود خیلی از احزاب سیاسی در سنن متعلق به طبقات بورژوا یافت که فصلی شعار و جهت حرکت شان را عوض میکنند که سلطنت طلبان و لایه های وسیع لیبرال و اسلامی و نیمه اسلامی متشکل در گروهها و احزاب متعدد را در برمیگیرد. یک فصل سرنگون طلب اند، فصل بعد هوادار انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی. یک روز شیعه اند و روز بعدی سکولار. یک روز متحد جمهوری اسلامی اند و روز دیگر مخالف، ... صفحه ۳

بعد از گذشت ۱۳ سال از حمله نظامی انگلیس و امریکا به عراق و پس از هفت سال تحقیق بالاخره گزارشی که "کمیته بررسی دخالت دولت انگلیس در حمله به عراق" تحت عنوان "گزارش چیلکاک" منتشر شد. گزارشی که حمله نظامی به عراق را در سال ۲۰۰۳ غیرقانونی، حمله ای که به بحرانی کردن بیشتر منطقه و دامن زدن به جنگهای قومی و مذهبی منجر شد، حمله ای که از نظر قوانین بین المللی غیرقانونی و متکی به گزارشات ساختگی و دروغین بوده، حمله ای که صدها هزار کشته و میلیونها آواره را فقط در عراق به دنبال داشته و شیرازه زندگی مردم یک جامعه چند میلیونی را در عرض سه هفته از هم پاشاند، ارزیابی کرد. گزارشی که انگشت اتهام را اساسا به سوی تونی بلر نخست وزیر وقت بریتانیا، و متحد دائمی و بی قید و شرط جرج بوش رئیس جمهور قلدر و ششلول بند امریکا، نشانه گرفته است.

اگر "گزارش چیلکاک" برای جامعه و شاکیان خصوصی تونی بلیر غیر مترقبه و منصفانه بود، واکنش تونی بلر اما کاملا قابل پیش بینی بود. بلر در کنفرانس مطبوعاتی سه ساعته خود در کمال بیشرمی اعلام کرد "از تصمیمش دفاع میکند" و "دنیا بدون صدام امن تر است" و همزمان با ژستی قهرمانانه ضمن شمردن "خطاهای نظامی و محاسباتی دولت انگلیس" و اظهار تاسف از کشته شدن سربازان انگلیسی، اعلام کرد مسئولیت همه اشتباهات را به عهده میگیرد. ... ←

مجاهد در فاز انتحار!

فواد عبداللهی



کنفرانس اخیر سازمان مجاهدین در پاریس تحت نام "ایران آزاد" آنتدر رسوا، الکن، بی اعتبار، مستاصل و انتحاری بود که دادن صفت قیل و قال تبلیغاتی به آن از سرش هم زیادی است. مشتکی گانگستر مذهبی، بعنوان بخشی از کابوس مردم منطقه، بیجامانده از استراتژی شکست خورده "رژیم چنج" غرب که قرار بود در متن حمله نظامی آمریکا به ایران و از هم گسیختن بنیادهای جامعه و تبدیل کردن آن

و تغذیه کند و بعنوان "آلترناتیو سیاسی" بشناساند. حضور الفیصل رئیس سابق دستگاه امنیتی عربستان در کنفرانس پاریس و اعلام حمایت رسمی اش از مجاهدین و "تلاشهای این سازمان برای ساقط کردن نظام ایران" شباهت ژنتیکی مجاهدین با نسخه داعش را یکبار دیگر برجسته کرد. کیست که نداند "ساقط کردن نظام ایران" به سیاق عربستان و با تغذیه باندهای سیاهی شبیه مجاهدین یعنی نسخه داعشی کردن جامعه ایران! شبیه همان "انقلابی" که جمهوری اسلامی در یمن و در تقویت حوثی ها سازمان داده است.

همه به یاد داریم که عملیات های خونبار داعش در عراق را سازمان مجاهدین ستایش کرد و آن را "اقدامی انقلابی برای سرنگونی دولت مالکی" خوانند... صفحه ۴

به نسخه ای شبیه جامعه لیبی و سوریه به نان و نوایی برسند، اینبار قرار است در غیاب عموسام، عربستان رزق شان را تامین کند. چیزی که این کنفرانس را ویژه میکند نه شرکت مقامات بازنشسته امریکایی که حضور رئیس بازنشسته سازمان امنیت عربستان در این کنفرانس و اعلام حمایت رسمی از مجاهدین است. اگر دیروز اعتبارنامه مجاهد را غرب و دول غربی تایید میکردند، امروز منافع دول مرتجع منطقه قبله سیاسی شان است. دولتی مثل عربستان بخوبی نشان داده که از توان تبلیغاتی، مادی، و نظامی کافی برخوردار است که سیاه ترین نیروهای تاریخ بشری مانند داعش و مجاهدین را تأیید

آزادی
برابری
حکومت کارگری

عاملین کشتار و ...

بعد از ۱۲ سال تحریم اقتصادی مردم عراق و پس از سه هفته بمباران سنگین و بی وقفه بغداد و اکثر شهرهای بزرگ عراق توسط مهیب ترین اسلحه های جنگی در مارس ۲۰۰۳، سه هفته ای که با بخون کشیدن و کشتار جمعی دهها هزار شهروند بی دفاع عراق توسط نیروهای آمریکائی و انگلیسی، تصرف بغداد و چند شهر دیگر و سقوط رژیم صدام، عریده های بلر و بوش مبنی بر شکست دیکتاتور و "پیروزی دموکراسی غربی بر استبداد" در عراق و خاورمیانه گوشها را کر کرده بود. پیروزی که قرار بود پس از "جنگ اول خلیج" قدمی مهم در تحکیم موقعیت امریکا و در ساختن نظم نوین جهانی و تحمیل قلدری نظامی آمریکا بر مردم جهان باشد. عریده هایی که با شکست های پی در پی نظامی امریکا و انگلیس، با تکه تکه شدن عراق، با تبدیل "نیروی آزادیبخش به نیروی اشغالگر" و شکستهای سیاسی منتج از آن سرعت خفه شد.

حمله نظامی به عراق، انهدام تمام عیار یک جامعه چند میلیونی، کشتار صدها هزار مردم بیگناه، آوارگی میلیونها نفر، فاجعه انسانی که در سال ۲۰۰۳ به وقوع پیوست، اساسا محمل و مستمسکی بود برای حل و فصل کشمکش وسیعتر و تاریخی تر در کمپ ارتجاع بین المللی و برای شکل دادن به یک "نظم نوین جهانی" به رهبری آمریکا. کشمکش که بهای آنرا دیروز مردم عراق و امروز مردم خاورمیانه میپردازند. سناریوی خاورمیانه نا امن، با جنگهای ویرانگر داخلی و درگیری های قومی و مذهبی و کشمکش نیروهای ارتجاعی و عقب مانده با حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق و اشغال آن شکل گرفت.

حمله به عراق و جنایاتی که بر میلیونها

انسان در آن جامعه رفت، جنایاتی که عواقب مرگ بار آنرا حتی امروز نه تنها مردم عراق که کل بشریت پس میدهند، با نقشه آگاهانه دولتهای آمریکا و انگلستان، با هدف اعمال قلدری بر جهان صورت گرفت. "مبارزه" با صدام حسین و داشتن سلاح کشتار جمعی تنها بهانه ای ساختگی و توجیحات جنایتکاران و مهندسین این جنگ برای فریب دادن بشریت بود. حقیقتی که بعد از سیزده سال "گزارش چیلکاک" به آن اذعان میکند. درست در همان روزها بیش از ۳۰ میلیون نفر از مردم انساندوست، عدالتخواه در پنج قاره دنیا، در هزاران شهر و پایتخت دنیا به خیابان آمدند و در مارشهای عظیم اعلام کردند که کشتار و محاصره اقتصادی مردم عراق را محکوم میکنند، به بوش و بلر، این رهبران کشتار جمعی در عراق نه گفتند، نفرت خود را از کشتار مردم عراق و دولتهای مرتجع آمریکا و انگلیس اعلام کردند. درست در همین روزها میلیونها کارگر در کشورهای مختلف در مخالفت با جنگ آمریکا علیه عراق به مدت ۱۵ دقیقه دست از کار کشیدند.

امروز کل دستگاه حاکمه انگلیس تونی بلر را بعنوان یکی از عاملین اصلی این فاجعه در مقابل جامعه قرار میدهد. اما دولت و مجلسی که به حمله نظامی رای مثبت داد، هیئت حاکمه ای که با تمام دستگاه تبلیغاتی خود از بی بی سی تا دست راستی ترین روزنامه ها و ... در این جنگ شریک بودند، نمایندگان که با بلند کردن دست و رای مثبت دادن به حمله نظامی، دکمه بمب افکن ها را فشار داده بودند، ژورنالیستهای دست راستی که در بی بی سی و میدیای دولتی، با تبلیغات ریاکارانه خود این حمله را برای "خلع سلاح" و "مقابله با سلاحهای کشتار جمعی" در بوق و کرنا میکردند، همه و همه نه فقط در صندلی اتهام و در کنار تونی بلر و بوش قرار

نگرفته اند که بیشرمانه خود را در مقام مبصر و مفسر پشت حمله به بلر مخفی کرده اند.

قطعا تونی بلر و بوش باید بعنوان جانیان علیه بشریت محاکمه شوند. اما نمایندگان مجلس انگلیس، میدیای نوکر و ژورنالیستهایی که آنروزها در کنار این دو جانی بر این حمله مهر تائید زدند همراه با کل هیئت حاکمه آمریکا و روسای پنتاگون شریک جرمهایی هستند که باید در کنار رهبرانشان محاکمه و مجازات شوند. تک تک آنها مسئول پرداخت غرامت جنگی به مردم عراق اند. اما محاکمه و مجازات عاملین این کشتار هنوز نمیتواند زندگی و امنیت را به عراق و خاورمیانه برگرداند.

امروز و بعد از گذشت ۱۳ سال از حمله به عراق، هنوز جامعه عراق و میلیونها انسان در آن جامعه حتی یک روز، روی امنیت و رفاه و آسایش را بخود ندیده است. جنایات آن دوره و اشغال عراق و به استیصال کشاندن میلیونها انسان، زمینه رشد انواع دارودسته های جنایتکار مذهبی و قومی است که موی دماغ جامعه شده اند و کل عراق را به

میدان تقابل خود تبدیل کرده اند. امروز نه تنها عراق، بلکه کل خاورمیانه در اثر سیاستهای امپریالیستی به میدان تاخت و تاز و توحش دولتهای جنایتکار و باندها و دارودسته های آدم کش تبدیل شده است.

بی تردید محاکمه تونی بلر و بوش و کل شرکای آنها در حمله به عراق، افشا و علنی کردن کل نقشه ها و مکالمات و تصمیمات دولتهای دخیل و در راس آن دولتهای آمریکا و انگلستان، دریچه ای کوچک را بر روی بشریت برای دیدن حقایق آن جنگ باز خواهد کرد. دریچه ای که به مردم جهان امکان میدهد ماهیت واقعی این دولتها، تبلیغات دروغین و فریبکارانه آنها و کلاه بزرگی که به کمک میدیای رسمی فاسد این دولتها بر سر مردم رفته است را نگاه کنند. آتروز جهانیان بر دامنه توحشی که به نام دفاع از مردم عراق به آنها فروختند خواهند گریست.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۰ ژوئیه ۲۰۱۶

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیت سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

مرک بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

رنگ عوض کردن ها...

یک روز تا درجه شکنجه گری صعود میکنند و بعدا مدافع حقوق بشر ظاهر میشوند. کسی که حوصله مطالعه ربط شعار و جهتگیری و سیاست های اینها با اوضاع را داشته باشد، متوجه میشود که شرایط تناسب قوای داخلی و منطقه ای و جهانی عامل اصلی در تعیین شعارها و جهتگیری های اینها بوده و هست. در اکثر مواقع اینها مورد شماتت و انتقاد دیگران اند که چرا این چنین شتابان رنگ عوض کرده و این سنگر و آن میکنند. از نظر عوام و از نظر منتقدین سطحی، اینها سیاست یا جهت ثابتی در مسیر حرکت خود ندارند. اکثر منتقدین متوجه نیستند که علیرغم تغییر در سیاست و شعار و جهتگیری و رنگ عوض کردن های فصلی، در دنیای واقعی این احزاب و گروهها در دفاع از منافع طبقه خود ایدئولوژیک ترین ها و باثبات ترین های سیاست روزگارند. مثلا طیف سلطنت طلب هزار و یک رنگ عوض کنند، هدف شان قرار گرفتن طبقه شان در حاکمیت است. این هدف میتواند از طریق حمایت امریکا و ناتو متحقق شود، همانطوریکه روز بعدی توسط جناحی از حاکمیت یا کل جمهوری اسلامی متحقق شود.

شما وقتی به موجودات زنده در جهان فعلی هم نگاه میکنید، متوجه رنگ عوض کردن های آنها طبق شرایط زیست میشوید. مارمولک برای مثال بسته به محیط زیست خود رنگ های متفاوتی به خود میگیرد. مارمولک سبز، زرد، خاکستری، قرمز و یا مثلا قورباغه در رنگهای مختلف از نمونه های شناخته شده برای عموم اند.

تفاوت اینجاست که رنگ عوض کردن در موجودات جزو غریزه آنها و لذا در تصمیم آگاهانه نیست. صرفا برای حفظ خود یا دفاع از موجودیت خود در محیط معین است.

در احزاب سیاسی اما مسئله به این سادگی نیست. احزاب سیاسی اوضاع را تحلیل و آگاهانه تصمیم میگیرند با سیاست یا رنگ معینی روبرو جامعه ظاهر شوند.

به اینها نقد میشود که پرنسیپ ندارند، بی سیاست اند، بی افق اند، سرگردان اند، در سیاست در انتظار اند، و در تاکتیک مذبذب و...

اکثر منتقدین اینها اساسا از همان سنت سیاسی می آیند که این احزاب. به همین دلیل نقدهای شان سطحی و متکی به ویتترین روز احزاب است. اینها متوجه نیستند که این احزاب بی پرنسیپ نیستند، بلکه بی پرنسیپی پرنسیپ ثابت شان است. در اتخاذ سیاست هم نه کج فهمی و نادانی که "زرنگ" ترین و شایدترین های میدان اتخاذ سیاست اند. رنگ عوض کردن های فصلی اینها برعکس حیوانات نه غریزی که از سر همین شایده ذاتی شان در سیاست است. اگر رنگ عوض کردن حیوانات تغییری در ماهیت فعل و انفعال درونی تک تک آنها ایجاد نمیکند، برعکس، احزاب این سنتهای سیاسی بطور اتوماتیک از یک شروع "نرمال" به یک کاراکتر با ویژگی های شارلاتان های سیاسی ناچارا تغییر ماهیت میدهند. تا دیروز مدافع جنگ با جمهوری اسلامی بوده اند و امروز ناگهان باید مخاطب خود را قانع کنند که "صلح" و یا در اساس معامله فواید بسیاری دارد. یک روز می بایست با استفاده از گفتمان "سوسیالیستی" طرف را فریب دهند و روز بعد باید در قالب راهبه طرف را بطرف الهی هدایت کنند. نتیجتا به تدریج نه فقط دروغگویی و حقه بازی که یک بی پرنسیپی تمام عیار جزو لازمه های کاراکتر سیاسی شان خواهد شد. در این مورد مشخص منتقدین چه ناسیونالیست متعجب اند که چه شد یک شبه پژاک و یا پ ک ک از ناسیونالیسم دیروز و "چپ گرایی" قبلی تر به اسلام گرویده اند. حقیقت این است که اینها تغییر ماهیت نداده اند. تاریخ ناسیونالیسم کرد تاریخ رنگ عوض کردن های اینها هم هست. با اینهمه باید گفت که هدف شان ثابت است؛ رسیدن به موقعیت شرکت در حاکمیت به عنوان بخشی از طبقه حاکمه، به هر قیمت. رسیدن به موقعیت اجتماعی و اقتصادی مسعود بارزانی به هر قیمت. تاریخ مبارزات فداکارانه حزب دمکرات بارزانی آئینه تمام قلی از

مسیر حرکت همه احزاب این جنبش است؛ هزار و یک رنگ و هزار و یک بند و بست و هزار و یک شایدهی در سیاست و هزار و یک نوع مزدوری در جهت رسیدن به موقعیت امروزشان به عنوان حاکم "گورد"؛ نوکری برای ترکیه در جنگ علیه پ ک ک در سالهای دهه نود میلادی، جنگ علیه کومه له و دمکرات و مردم کردستان ایران در شروع اشغال کردستان ایران در اولین سالهای حاکمیت اسلامی در ایران، نوکری قدیمی تر برای شاه ایران در کشتار مبارزین ملی مانند امثال سلیمان معینی و تحویل جنازه اش به ساواک، کشتار مبارزین ملی کردستان ترکیه در همان سال ها، وحدت با صدام علیه حزب جلال طالبانی و انواع بند و بسط علنی نشده با انواع سگ و گرگ منطقه از جمله ائتلاف پنهانی با داعش مسیر طولانی مبارزات قهرمانانه این قهرمان ترین های خانواده ناسیونالیسم کرد است. بقیه هنوز این مسیر را تا مقطع رسیدن به حاکمیت نپیموده و رشادت های خود در زدن رنگ های مختلف به خود در این مسیر را هنوز به نمایش نگذاشته اند. آمادگی پ ک ک برای شرکت در دولت اردوغان در صورت امکان، نوبت یک شاخه دیگر ناسیونالیسم کرد برای اعمال قلدری نوع بارزانی و بقیه مستبدین سیاسی است. اتحاد با خانواده اسد در سوریه، در گذشته، ارائه خدمات به جمهوری اسلامی در گذشته توسط سنت پ ک ک و آمادگی بقیه شاخه های ناسیونالیسم کرد برای شرکت در حاکمیت اسلامی ایران، سوسیالیست و دمکرات و مسلمان شدن های پشت سر هم، یک ذره از این حقیقت کم نمی کند که اینها باثبات ترین سنت سیاسی در مسیر رسیدن به موقعیت آقایی بر کارگر و زحمتکش و سوار شدن برگرد مردم ستمدیده به سبک همه حاکمان دیگر منطقه اند. در این مسیر، سهم مردم زحمتکش از جنگ و صلح و معاملات مخفی و علنی اینها تنها خانه خرابی بیشتر و ضرر در زندگی روزمره و تبدیل شدن به گوشت دم توپ ناسیونالیست ها با عنوان خرافه "کردایه تی" و رسیدن "گورد" به "حق خود" است.

**ما مردم محروم
ایران را به
برافراشتن پرچم
رفاه و آزادی در
برابر جمهوری
اسلامی و هر
نیروی مدافع
استثمار و
استبداد. و برای
مقابله با گسترش
فقر و نا امنی و
محرومیت.
فرامیخوانیم.**

شور "رفاه، آزادی و

امنیت مردم

ایران را

بدست گیرید!

مجاهد در فاز انتحار ...

بستر مشترکی که مجاهدین و داعش روی آن خوابیده اند کاملا آشنا است؛ رویای کسب قدرت به قیمت بخون کشیدن جامعه! و هیچ دار و دسته ای به اندازه مجاهدین هنر ورود به چنین منجلابی را ندارد. هم میداند چگونه پول و حمایت این یا آن دولت محلی را کسب کند، و هم آشنایی کامل با بازار اسلحه دست دوم دارد؛ هم هنر فرقه سازی را دارد، و هم بطور ویژه نشان داده است که مثل ویروس "اهل بقاء و ماندن" است و قدرت تطبیق با شرایط را دارد. سوال اینست که این چه سازمانی است که تاریخا و همیشه بعنوان بخشی از کابوس مردم، رویای "آزادی ایران" را در سیاهترین سناریوها با مزدوری و به خدمت گرفته شدن توسط دول مرتجع منطقه دیده است؟!

حقیقت اینست که ایران با مسلح کردن حوثی ها و دخالت در اوضاع یمن منافع عربستان را زیر سوال میبرد و عربستان هم تلاش میکند سناریوی مشابهی را در ایران با به خدمت گرفتن باندهای مذهبی و قومی ساخته پرداخته کند. عربستان و قطر تلاش دارند تا بخشی از نیروهای اپوزیسیون ایران را به همکاری در ماجراجویی نظامی و کشمکش های منطقه ای خود در ایران بکشانند. نمایندگان و دستگاه های جاسوسی عربستان ارتباط خود با نیروهای اپوزیسیون، بویژه نیروهایی که در عراق حضور دارند را وسعت داده اند، پول و امکانات نظامی و تدارکاتی را به سمت آنها سرازیر کرده اند. تعدادی از این نیروها، از جمله سازمان مجاهدین شروع به همکاری با دولت عربستان در این رابطه کرده اند.

همانطور که هیچ بهانه و هیچ توجیهی نمیتواند سازش و مماشات با جمهوری اسلامی و جناح های رنگارنگ آن را موجه کند، هیچ بهانه، هیچ توجیه و

هیچ فرصت طلبی و استیصال سیاسی هم نمیتواند همکاری با ماجراجویی دولت عربستان را موجه کند. کشمکش دول مرتجع منطقه بر سر منافعشان، ادامه ویرانی بیشتر خاورمیانه و گسترش فاجعه عراق و سوریه و لیبی است. ضدیت و کشمکش عربستان با جمهوری اسلامی مطلقا ربطی به خواست مردم ایران برای دست یابی به آزادی و برابری ندارد. این سیاست تدارک یمن ایزه کردن جامعه ایران و به تباهی کشاندن مردم ایران برای نسل های پی در پی است. عربستان و متحدین آن دست به هر اقدامی علیه جمهوری اسلامی بزنند، هر موشدوانی که از طریق جریاناتی مانند مجاهد در ایران بکنند، مستقیما بر عمر جمهوری اسلامی، بر استفاده ارتجاع حاکم از فضای جنگی در تعرض بیشتر به آزادی و امنیت مردم و بر محنت تباهی مردم ایران خواهند افزود. نظم داعشی دولت عربستان همان آزادی و سعادت را برای مردم ایران به ارمغان خواهد آورد که برای مردم عراق و سوریه و ترکیه و یمن ببار آورده است.

قدرتی که میتواند و باید جمهوری اسلامی را کنار بزند و بنیاد های جامعه ایران را از دست درازی نیروهای قومی، مذهبی و گانگستر های سیاسی ملی و بین المللی مصون دارد قدرت طبقه کارگر، کمونیسم و نیروی متشکل مردم ایران برای تضمین یک انقلاب کارگری و کمونیستی است. همکاری با دولت عربستان شرکت در جنایت علیه بشریت و جنایت علیه مردم ایران است. همکاری در تحقق سناریو سیاه و فرو بردن جامعه ایران و مردم منطقه به عظیم ترین سیاه چال اجتماعی و مدنی است و بی گمان مردم ایران با همکاران عربستان همانند همکاران جمهوری اسلامی رفتار خواهند کرد. قیاس آزادیخواهی، احساس مسئولیت و انسان دوستی هر جریانی را باید در محکوم کردن این همکاری ها و فاصله گرفتن علنی از این سیاست ها و

رفاه؛

بخشی از منشور

"رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است.
- برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.
- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران
- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم
- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)
- تعطیلی دو روز متوالی در هفته
- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال
- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال
- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند
- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی
- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.
- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.
- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

مجریان آن دید. تا آنجا که به مجاهد مربوط میشود، باید گفت جریانی بسی ریشه، سناریو سیاهی با ظرفیتهای ارتجاعی بالا و ماجراجوست. مجاهد تنها میتواند اکتور یک سناریوی سیاه باشد، که آماده کمک به تخریب جامعه است. برای کسی که به اوضاع امروز و کمی هم به فردا فکر کند، نمایش اینها در بهترین حالت تکرار نسخه تبهاهی داعش و عملیات انتحاری است.

**حکمت را توزیع و
پخش کنید**

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

کارگران جهان متحد شوید!